

ملاحظه‌های جغرافیایی در پیوست فرهنگی طرح‌های توسعه ملی و نقش آن در سازمان‌های نظارتی

ابراهیم محمدی

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

علی بیژنی^۱

استادیار جغرافیای سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

محمد اخباری

دانشیار جغرافیای سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱۱/۰۶ تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۱۷

چکیده

زمینه و هدف: یکی از شیوه‌های تحلیل پدیده‌های فرهنگی در حوزه سیاست‌گذاری فرهنگی تهیه پیوست فرهنگی است. در کشورهای توسعه‌یافته مانند فرانسه، آمریکا، انگلستان و روسیه داده‌های پایه فرهنگی و مردم‌شناختی در پیوست فرهنگی (کلان) کشورشان به طور مستمر مورد استفاده قرار می‌گیرد و نتایج آن در طرح‌های کلان توسعه ملی‌شان لحاظ می‌شود؛ و از طرفی رشد و توسعه هر کشوری به چگونگی ایجاد امنیت گره خورده است. به بیانی دیگر هرگونه توسعه در ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مستلزم توسعه امنیتی می‌باشد و چنانچه دولت‌ها بتوانند زیرساخت‌های مناسبی در حوزه امنیت به وجود آورند، در حوزه‌های دیگر نیز تصمیم‌های بهتری اتخاذ می‌گردد به هر حال هرگونه اقدام و فعالیتی در دایره ارزیابی آثار اجتماعی و یا پیوست‌نگاری فرهنگی و در نگاهی کلاسیک‌تر تدوین طرح‌های توسعه ملی در کشور، نیازمند خوانشی فرهنگی در قالب شاخص‌ها و مؤلفه‌ها و ملاحظه‌های جغرافیایی است. هدف این تحقیق بررسی ملاحظه‌های جغرافیایی در تدوین پیوست‌نگاری فرهنگی در طرح‌های توسعه ملی کشور و تبیین آن به سازمان‌های نظارتی. از این رو، سؤال تحقیق این است که شرایط و ملاحظه‌های جغرافیایی چه تأثیری در بازنمایی و تدوین پیوست فرهنگی طرح‌های توسعه ملی در سازمان‌های نظارتی دارند؟ و این امر تا چه میزان در چرخه سیاست‌گذاری و پیوست‌نگاری فرهنگی سازمان‌های نظارتی نقش دارد؟ و همچنین امنیت، مشارکت، اقتدار، انسجام و چالش‌های فرهنگی در سازمان‌های نظارتی کدام‌اند؛ بنابراین، با این پرسش‌ها می‌توان به تفاوت‌های فرهنگی در نواحی جغرافیای فرهنگی کشور و سازمان‌های نظارتی رسید. **روش‌شناسی:** این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر اجرا با روش توصیفی-همبستگی و ابزار گردآوری داده‌ها منابع اسنادی و کتابخانه‌ای و همچنین ارائه پرسش‌نامه به جامعه آماری شامل استادان و دانشجویان رشته‌های جغرافیا (سیاسی)، مدیریت فرهنگی و علوم سیاسی انجام گرفته است. **یافته‌ها و نتیجه‌گیری:** در تحقیق حاضر به این نتیجه می‌رسیم که ملاحظه‌های و مؤلفه‌های جغرافیایی در پیوست‌نگاری طرح‌های توسعه ملی یا جایگاهی ندارند یا جزء اولویت‌های تهیه پیوست فرهنگی نیستند همچنین مؤلفه‌های فرهنگی در سازمان‌های نظارتی تشریح، سپس چالش‌ها، آثار و

نتایج برنامه‌ریزی فرهنگی مطرح و در پایان ضمن نتیجه‌گیری به ارایه پیشنهادهای لازم پرداخته می‌شود. در این تحقیق که در کنار فراتحلیل پژوهش‌های ملی و بین‌المللی صورت گرفته، ابعاد و مؤلفه‌های جغرافیایی را که مبنایی برای پیوست‌نگاری‌ها و ارزیابی آثار اجتماعی است، تبیین می‌کند.

کلمات کلیدی: فرهنگ، پیوست فرهنگی، توسعه فرهنگی، ملاحظه‌های جغرافیایی، طرح‌های توسعه ملی، سازمان‌های نظارتی

مقدمه

پیشینه برنامه‌ریزی مدرن در کشور تا حدودی به ۷۰ سال می‌رسد. قدمتی درخشان که از بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته کنونی نظیر ترکیه، کره جنوبی، بلژیک و جز اینها بیشتر است. با این حال خروجی و نتیجه این نظام توسعه، چیزی جز اقتصاد تک‌محصولی وابسته به نفت، رکود تولید، اقتصاد غیرمولد و کم‌اشتغال‌زا، عدم تعادل‌های گسترده در پهنه سرزمین، صنعت وابسته و بیمار، کشاورزی آسیب‌پذیر، تشدید بحران کم‌آبی، بیابان‌زایی و فرسایش شدید اراضی مستعد کشت، محیط زیست‌شکننده و پراسیب، از هم‌گسیختگی نظام سکونت‌گاهی و تمرکزگرایی شدید در چند کلان‌شهر عمده کشور نیست. هرچند نباید از پیشرفت‌های ایران در طول سالیان گذشته از جمله توسعه زیرساخت‌های بنیادی (آب، برق، انرژی و مخابرات) به خصوص، در روستاها و نیز ارتقای کمی و کیفی نظام بهداشت و درمان به سادگی گذشت، اما باید اذعان کرد کشوری چون ایران با امکانات و منابع فراوان طبیعی و انسانی و ظرفیت‌ها و مزیت‌های توسعه متعدد بالقوه و بالفعل، نتوانسته است در قامت یک کشور توسعه‌یافته و مرفه اقتصادی ظاهر شود؛ پی‌ریزی نکردن صحیح و کارآمد نظام برنامه‌ریزی توسعه کشور، نمایشی بودن التزام به برنامه در بین تصمیم‌گیران و مدیران کشور و فقدان وجود نگرش همه‌جانبه در برنامه‌ریزی‌های توسعه سرزمینی کشور را می‌باید از دلایل اصلی این وضعیت به شمار آورد. از جمله مصادیق این نارسایی‌ها را می‌توان در طرح‌های کلان توسعه‌ای ایران دید. طرح‌های توسعه‌ای که باید شامل ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی در بستر شرایط جغرافیایی باشد با کمترین ملاحظه‌های جغرافیایی شامل ابعاد جغرافیای انسانی و طبیعی نسبت به ویژگی‌های جغرافیایی و سرزمینی اجرائی می‌شوند. در سال ۱۳۹۰ شورای عالی عتف ۳۷ طرح ملی را به تصویب رساند که در سال‌های بعد به تعداد آن افزوده شد و به ۴۷ طرح کلان ملی رسید.

با توجه به معیارهایی که از طرف کمیسیون‌های هماهنگی و سیاست‌گذاری این شورا به عنوان معیارهای تعریف و تصویب طرح‌های کلان ملی یاد می‌شد، از این ۴۷ طرح، ۳۴ طرح به دلیل نداشتن اعتبارات و دستگاه متقاضی از دستور کار خارج شدند. با بررسی آمار و ارقام و اعتباراتی که در تصویب طرح‌ها و اجرانشدن بخشی از آنها از سوی این شورا در سال‌های مختلف گزارش شده است، این سؤال مطرح می‌شود که روند تصویب و ارزیابی این طرح‌ها چگونه است؟ آیا طرح‌هایی که به عنوان کلان ملی مطرح می‌شوند نباید قبل از طرح یک پروسه تحقیقی مشخص داشته باشند؟ و آیا نباید زمینه‌های اجرایی این طرح‌ها در جامعه با توجه به امکانات، زیرساخت‌ها، اولویت و نیازهای کشور به درستی واکاوی شود؟ حتی برخی از طرح‌ها بعد از اجرایی شدن و تخصیص اعتبارات به آنها در میانه راه به دلایل مختلف که از مدیریت نکردن و برنامه‌ریزی بلندمدت ناشی می‌شود به انتهای کار خود نمی‌توانند

برسند و تنها خروجی آنها اعتبارات و هزینه‌های صرف شده بود. در سال ۱۳۹۳ طرح‌های کلان ملی با حذف سهم پژوهش از بودجه جاری دستگاه‌های اجرای متوقف شد. این حذف شدن سهم پژوهش نشان دهنده بی‌توجهی دولت و کم‌اهمیت جلوه‌دادن این طرح‌ها در توسعه و پیشرفت کشور بود. حتی بند ۱ کلیات آیین‌نامه اجرایی طرح‌های کلان ملی مصوب شورای عالی علوم، تحقیقات و فناوری (عتف) طرح کلان ملی را طرحی می‌داند که ارزش افزوده فراوان ایجاد کند دانسته است که این خود بیانگر نوع نگاه و چرایی اجرائی این طرح‌هاست. وقتی نگاه به طرح‌ها در کلیات این گونه است دیگر انتظار اینکه نگاه به جزئیات آن طرح جایگاهی در میان مسئولان داشته باشد کمی خوش‌بینی است.

مهم‌ترین دگرگونی و تحول در عصر تبادل اطلاعات در حوزه فرهنگ صورت می‌پذیرد؛ ویژگی تحولات فرهنگی این است که به صورت بطئی و آرام مواریث و هویت‌های فرهنگی افراد را دگرگون ساخته و به مرور زمان فرهنگ جدیدی را به کارکنان سازمان‌ها تحمیل می‌نمایند به گونه‌ای که حاصل این فرهنگ‌های وارداتی و از قبل طراحی شده سستی، رخوت، نارضایتی و بسیاری از مؤلفه‌های فرهنگ منفی است.

با توجه به موفقیت و سربلندی کشور در هشت سال دفاع مقدس و تغییر رویکرد دشمنان در رویارویی با جمهوری اسلامی ایران از جنگ سخت به تهاجم نرم و حمله‌های همه‌جانبه به فرهنگ، اعتقادات و باورهای مردم ایران و وجود خلأهای موجود در این مسیر، نیروهای مسلح و سازمان‌های نظارتی نیز از تهدیدهای فرارو در امان نخواهند بود؛ یکی از راه‌های مقابله با تهاجم نرم این است که با راهبردهای فرهنگی به مقابله با تهدیدها برویم. برنامه‌ریزی همه‌جانبه و هماهنگ در ساختار سازمان‌های نظارتی مبتنی بر ظرفیت‌های موجود، به خصوص در حوزه فرهنگی می‌تواند این سازمان‌ها را در تحقق هدف‌های کلان یاری نماید.

با این حال به‌طور کلی این طرح‌ها شامل ابعاد و پیوست‌هایی نیز هستند. پیوست فرهنگی طرح‌های توسعه ملی در سازمان‌های نظارتی که موضوع تحقیق حاضر است.

هر اقدام و فعالیتی در اجتماع، دارای آثار فرهنگی و اجتماعی سازنده و یا مخرب است که گاه بسیار گسترده و پایدار است. به علت غلبه ترجیحات اقتصادی و یا سیاسی، به این آثار توجهی نمی‌شود و در مسیر توسعه جوامع، مسائل و معضلات فرهنگی و اجتماعی رخ می‌نماید که دلیل آن بی‌توجهی به آنها در چند سال گذشته است. در ایران نیز با مثال‌های متعدد و متنوعی که از فعالیت‌ها و طرح‌های عمرانی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و... وجود دارد، خلأ وجود راهی که بتواند به درستی و به شکل کاربردی نقش عنصر فرهنگ را در سایر حوزه‌ها و نظام‌ها، اعمال نموده و در هر پروژه و فعالیتی عناصر انسانی، فرهنگی و اجتماعی را در اولویت سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و امور اجرایی قرار دهد؛ به طور جدی وجود داشته است و چه بسا پس از انقلاب اسلامی نیز این خلأ برطرف نشده است. با توجه به چنین غفلتی که در سیاست‌گذاری‌های پیشرفت فرهنگی کشور مشاهده می‌شود، ضرورت فرهنگ و پیوست رفتاری آن در تمام سطوح سیاست‌ها، برنامه‌ها و پروژه‌ها به ویژه در سازمان‌های نظارتی احساس می‌شود و بر همین اساس سیاست‌گذاران فرهنگی نیازمند پیوست‌نگاری فرهنگی در تمامی پروژه‌ها و طرح‌های ملی هستند.

پیوست فرهنگی عبارت است از «فرایند تعیین، پیش‌بینی، ارزیابی و آگاه‌سازی در خصوص آثار احتمالی فعالیت یا سیاست جاری پیشنهاد شده بر زندگی، نهادها و منابع فرهنگی. از این طریق، پیوست فرهنگی با هدف کاهش آثار مخرب و افزایش نتایج مثبت، یافته‌ها و نتایج را در فرایند برنامه‌ریزی و تصمیم‌سازی وارد می‌سازد». به لحاظ اهمیت شاخص‌های ملی و منطقه‌ای در عرصه سیاست‌گذاری فرهنگی و در سطوح و حیطه‌های مختلف همچون پیوست‌نگاری فرهنگی، در این تحقیق ضمن ارائه مفهوم و تعریف مشخص از پیوست فرهنگی، سعی در تبیین ابعاد اثرگذاری مؤلفه‌های پیوست فرهنگی در فرایند اجرای طرح‌های توسعه ملی در ایران است. در این ارتباط، با پیوست فرهنگی طرح‌های توسعه در ایران؛ مؤلفه‌محوری در پیوست‌نگاری و مهندسی فرهنگی بهره‌گیری از حیطه‌های میان‌رشته‌ای همانند جغرافیای فرهنگی و به عبارتی تعامل جغرافیا و فرهنگ می‌توان ابعاد و شاخص‌هایی را در مسیر تحقیقات علمی ترسیم کرد. در این تحقیق، ابتدا با استفاده از منابع کتابخانه‌ای تعاریف و اصطلاحات تخصصی برای تبیین دایره موضوعی پژوهش تبیین و سپس به ارائه تحلیل یافته‌ها و نتیجه‌گیری و پیشنهادها اقدام شده است.

همان‌طور که اکنون جهان غرب خود را نیازمند بازاندیشی یافته است، ما نیز نیازمند بازاندیشی با الگوهای تازه و برخاسته از فرهنگ اسلامی، انقلابی و ملی خود هستیم؛ با شناخت دقیق مبانی دینی و اعتقادی منبعث از دین اسلام می‌توان از سردرگمی تاریخی خارج شد که اغلب خاص جوامع در حال گذار است، این خروج از چرخه اکنون‌زدگی یا شوک آینده‌نیازمند تمهید متفکران و بهره‌گیری از تمامی ذخایر فرهنگی و فکری جامعه است؛ سازمان‌های نظارتی نیز به تبعیت از جامعه، لازم است ویژگی‌های جدیدی را در ساختار سازمانی به‌وجود آورند؛ زیرا اول اینکه کارکنان سازمان‌های نظارتی جزئی از جامعه و درگیر فعل و انفعالات نامتقارن فرهنگی جامعه هستند و دوم اینکه رخنه فرهنگ‌های بیگانه در درون سازمان‌های نظارتی نیز متصور بوده و آثار سوء فراوانی بر جای خواهد گذاشت؛ بنابراین، ضرورت تولید مبانی نظری در حوزه فرهنگی و در چرخه سیاست‌گذاری و طرح‌های توسعه ملی در سازمان‌های نظارتی با استفاده از مبانی دینی جمهوری اسلامی ایران و بر اساس گرایش‌ها و اعتقادات مردم و به‌ویژه کارکنان سازمان‌های ویژه مهم‌ترین ضرورت‌های تحقیق هستند.

به هر حال هرگونه اقدام و فعالیتی در دایره ارزیابی آثار اجتماعی و یا پیوست‌نگاری فرهنگی و در نگاهی کلان‌تر تدوین چارچوب سیاست‌گذاری فرهنگی در کشور مانند تدوین نقشه مهندسی فرهنگی کشور، نیازمند خوانشی فرهنگی در قالب شاخص‌ها و مؤلفه‌هایی است که یکی از آنها شناخت شرایط و ویژگی‌ها و ملاحظه‌های جغرافیایی است. هدف این تحقیق بررسی تأثیر تدوین پیوست فرهنگی در سیاست‌گذاری‌ها و مهندسی فرهنگی کشور و نقش آن در سازمان‌های نظارتی است؛ بی‌شک مهم‌ترین عنصر تأثیرگذار در ایفای نقش و وظایف سازمانی توجه و تقویت باورهای اعتقادی کارکنان و همسوسازی آن با اصول و مبانی تصمیم‌گیری‌های نظارتی است که این باورها و نگرش‌ها همان فرهنگ است؛ فرهنگ به مجموعه‌ای از عادت‌ها، ارزش‌ها، نگرش‌ها، اعتقادات و اخلاقیات گفته می‌شود که به عنوان عامل مشترک در میان یک ملت، جامعه و سازمان‌ها جایگاه ویژه‌ای پیدا می‌کند؛ در مفهوم فرهنگ موضوع‌هایی از قبیل سلامت، رفتار و روابط سازمانی، مشارکت، و مناسبت‌های اجتماعی، رفاه، آزادی، توسعه، احترام متقابل، قانون‌گرایی، دین‌باوری و بسیاری از هنجارهای دیگر نهفته است که می‌تواند بستری مناسب برای مقابله با تهدیدهای محیطی از یکسو و رشد و بالندگی سازمانی از سوی دیگر باشد.

با عنایت به این توضیح‌ها، محقق در این تحقیق به دنبال آن است تا با توضیح ملاحظه‌های جغرافیایی و منطقه‌ای در بازنمایی ابعاد مختلف فرهنگی سازمان‌های نظارتی نقاط ضعف و قوت را شناسایی و ضمن استفاده از ظرفیت‌های موجود، نهادهای فرهنگی و سازمان‌های نظارتی، به موفقیت سازمان‌های نظارتی کمک نماید؛ از این رو، سؤال تحقیق این است که شرایط و شاخصه‌ها و ملاحظه‌های جغرافیایی و منطقه‌ای تا چه اندازه می‌تواند در بازنمایی ابعاد مختلف فرهنگ مؤثر باشد و این امر تا چه میزان در چرخه سیاست‌گذاری و طرح‌های توسعه ملی در سازمان‌های نظارتی نقش دارد؟

روش‌شناسی تحقیق: روش پژوهش توصیفی-همبستگی است و جامعه آماری استادان و دانشجویان رشته‌های جغرافیا (سیاسی)، مدیریت فرهنگی و علوم سیاسی هستند که تعداد از آنان نیز در امور اجرایی مربوط به مسائل فرهنگی حضور داشته‌اند. به منظور تحلیل فرضیه‌های پژوهش از آزمون تحلیل مسیر در الگوی معادله‌های ساختاری استفاده شده است. روش گردآوری اطلاعات مورد استفاده در این پژوهش ۱- از نوع کتابخانه‌ای شامل مراجعه به کتب و رساله‌های مکتوب نوشتاری و همچنین منابع علمی و کتابخانه دیجیتال در کنار پایگاه‌های علمی با مراجعه به سازمان‌ها و ادارات ذی‌ربط است و ۲- از نوع میدانی است که در آن مصاحبه با استادان و کارشناسان خبره در حیطه تدوین و راهبرد طرح‌های توسعه انجام می‌شود.

مبانی نظری

فرهنگ: مفهوم فرهنگ نخستین بار به وسیله سرادوارد بارنت^۱ مردم‌شناس انگلیسی، در سال ۱۸۷۱ به کار رفت. وی فرهنگ را مجموعه‌ای پیچیده می‌داند شامل دانش‌ها، باورها، هنر، قوانین، اخلاق، آداب و رسوم و دیگر قابلیت‌ها و عادت‌هایی که انسان به‌عنوان عضو جامعه آنها را فرا می‌گیرد؛ به تعبیر دیگر فرهنگ عبارت است از: نظام مشترکی از باورها، ارزش‌ها، رسوم، رفتارها و موضوع‌هایی که اعضای یک جامعه در تطبیق با جهان‌شان و در ارتباط با یکدیگر به کار می‌برند و از راه آموزش از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌دهند. فرهنگ دارای دو عنصر مادی و غیرمادی است که ویژگی‌هایی به شرح ذیل دارد: نخست؛ فرهنگ‌ها و جوامع در سطح بسیار وسیعی ناهمگون هستند، این حالت به ویژه زمانی بیشتر مشهود است که هویت‌های ملی و وسیعی به‌عنوان جایگزین‌هایی برای فرهنگ ذکر می‌شوند؛ دوم فرهنگ، عاملی است که با زمان، جغرافیا، تاریخ، مذهب، طبقه اجتماعی، نژاد، شهرنشینی، روستائینشی، ملیت و مقولات بسیار دیگری درهم می‌آمیزد؛ سوم فرهنگ‌ها از طریق مسافرت، تجارت، وسایل ارتباط جمعی، گروه‌های تبلیغی و دیگر منابع تغییر و توسعه می‌یابند؛ چهارم فرهنگ غریزی نیست؛ بلکه آموختنی است؛ به عبارت دیگر فرهنگ از عادات و تجربه‌هایی تشکیل می‌شود که افراد در طول حیات خویش می‌آموزند. فلسفه وجود تعلیم و تربیت در جامعه انسانی بر اساس همین ویژگی است؛ پنجم، فرهنگ افراد یک جامعه را قادر به پیش‌بینی رفتار یکدیگر می‌سازد، به طوری که افراد می‌توانند بر حسب رفتار و گفتار خود، واکنش‌های دیگران را از پیش تشخیص دهند و بدانند که برای دریافت واکنش مطلوب چه رفتار و گفتاری باید داشته باشند (صالح‌نیا و همکاران، ۱۳۸۹)؛ بنابراین، مهم‌ترین ارکان واژه فرهنگ موارد ذیل است:

¹ A.Barent

الف) تعریف حداکثری از فرهنگ: در این تعریف علاوه بر داخل دانستن تمدن در فرهنگ، به بخش ذهنی فرهنگ نیز نگاه حداکثری شده و آن را در بالاترین حد از تعامل با عوامل دیگر فرض کرده‌ایم؛

ب) نگاه مجموعه‌ای یا دستگامی به فرهنگ در این تعریف فرهنگ، کلیت هم‌تافته‌ای است که اجزای آن با یکدیگر ارتباط مجموعه‌ای دارند؛ بنابراین، اگر فرهنگ را یک مجموعه بدانیم؛ پیوست فرهنگی، تدوین عوامل مرتبط با مجموعه فرهنگ است. بدان معنا که برای پیوست فرهنگی لازم است اجزای فرهنگ را در جای خودشان قرار دهیم و تعامل آنها را به خوبی با هم برقرار کنیم.

توسعه فرهنگی: فرایند ارتقا و اعتلای شئون گوناگون فرهنگ جامعه در راستای اهداف و مقاصد مطلوب را توسعه فرهنگی^۱ می‌نامند که بستر و زمینه مناسب برای رشد و تعالی انسان‌ها را فراهم می‌سازد (فرهنگی، بی تا: ۵۳).

سازمان‌های نظارتی: سازمان‌های نظارتی و امنیتی تشکیلاتی هستند که مأموریت پیشگیری، کشف، شناسایی، خنثی‌سازی و مقابله با اقدام‌های سازمان‌های نظارتی کشورهای حریف، گروه‌های اپوزیسیون و عوامل ایجاد نارضایتی را بر عهده دارند. رسالت واقعی آنان حراست و حفاظت از اسرار و اطلاعات نظام در مقابل سازمان‌های اطلاعاتی دشمن و دوست است (عسگری، ۱۳۹۰).

امنیت فرهنگی: امنیت فرهنگی^۲ عبارت است از شرایطی که طی آن یک ملت بتواند ضمن حفظ هویت فرهنگی^۳ (اندیشه، ارزش‌ها و کنش‌های پایه‌ای) خویش و بدون برخورد با موانع بشری مسیر تکاملی خود را بی‌پیماید (نائینی، ۱۳۹۱: ۱۸۲). امنیت فرهنگی از ابعاد مهم امنیت ملی و امنیت اجتماعی است که با سبک زندگی و شیوه‌ها و آداب و رسوم مردم ارتباط ناگسستنی دارد، امنیت فرهنگی به معنای ایجاد ثبات فرهنگی، زمانی شکل می‌گیرد که سنت‌ها، آداب و رسوم و سبک زندگی مردم از آرامش لازم برخوردار باشد؛ به بیان دیگر چنانچه در شیوه زندگی مردم تزلزل، سستی و سهل‌انگاری حاکم باشد، امنیت فرهنگی مردم دچار تزلزل می‌گردد. با توجه به ویژگی‌های هر سازمان، عوامل فرهنگی نیز در آن سازمان عمومی و فراگیر است؛ به طوری که پذیرش و رد آنها در سطح گسترده و بدون اتکا به کارکنان آن سازمان، باید با استدلال منطقی باشد؛ بنابراین، تأکید می‌شود که فرهنگ، پایه و اساس زندگی جوامع را تشکیل می‌دهد؛ چرا که رفتار و کردار انسان‌ها از باورها و اندیشه‌های آنها سرچشمه می‌گیرد (بابایی‌طلاتی، ۱۳۸۴: ۱۹۸-۱۹۹).

بر این اساس اگر سازمانی نتواند همسو با ارزش‌های جامعه به شکل صحیح و بر اساس باورهای آن، ارزش‌های اساسی را در بین کارکنان خود ترویج و درونی سازد، زمینه را برای جایگزینی فرهنگ بیگانه و وارداتی فراهم می‌آورد و امنیت درونی و ثبات اجتماعی موجود در سازمان را به مخاطره می‌اندازد.

آنچه که در درون سازمان‌های نظارتی ایفای نقش می‌نمایند، فرایندهای درونی، ساختاری، فرهنگ سازمانی حاکم بر آن و نیروی انسانی است که نیروی انسانی نقش محوری را ایفا می‌نماید؛ بنابراین، ویژگی حاکم بر سازمان‌های نظارتی منحصر به فرد بوده و با سایر سازمان‌ها تفاوت آشکاری دارند (باقری، ۱۳۹۲). براساس فرمایشات مقام

1. Cultural development

2. Cultural Security

3. Cultural Identity

معظم رهبری (مدظله‌العالی) سازمان‌های نظارتی همسو با دستگاه‌های فرهنگی، دولت و اتحاد جامعه باید به باورها، اعتقادات و ارزش‌های فرهنگی خود که مبتنی بر فرهنگ اسلام ناب است توجه داشته و ضمن طرد فرهنگ‌های وارداتی و بیگانه که ارزش‌های ملت را نشانه گرفته‌اند، به منظور توسعه ایمان و رشد علمی مجموعه درونی خود و به منظور تأثیرگذاری بر جامعه در ابعاد گوناگون برنامه‌ریزی نمایند.

مشارکت فرهنگی در سازمان‌های نظارتی

مشارکت فرهنگی^۱ عبارت است از شرکت آگاهانه و داوطلبانه و مؤثر کارکنان در فرایند توسعه فرهنگی در سازمان. مشارکت اجتماعی- فرهنگی، به دلیل ذات اجتماعی خود تحت تأثیر عوامل متغیری است. ساخت و حفظ شبکه روابط اجتماعی شکل مهمی از مشارکت اجتماعی- فرهنگی را به وجود می‌آورد و می‌تواند الزام دو طرفه و اعتماد اجتماعی را در سازمان تقویت نماید. «مشارکت اجتماعی»؛ در فعالیتهای فرهنگی موجب تقویت روابط و تعامل افراد می‌شود و ساخت «شبکه روابط اجتماعی»؛ را حفظ و تقویت می‌نماید؛ بدین ترتیب که به عنوان یک سرمایه مولد، زیرساخت‌های فرهنگی و هم‌گرایی لایه‌های گوناگون یک سازمان را تحکیم می‌بخشد. بر این مبنای هرگاه یک سازمان یا نهاد اجتماعی بتواند مشارکت اعضای خود را برای دستیابی به هدف‌های خاص یا حل مسئله‌ای جلب نماید وفاق و همدلی گروهی در افراد به وجود می‌آید.

مشارکت فرهنگی به عنوان یکی از شاخص‌های توسعه فرهنگی در برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران نیز ذکر شده است. تعداد سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی، تعداد انجمن‌ها، تعداد مطبوعات و... به عنوان شاخص‌هایی در این برنامه عنوان شده؛ اما نکته‌ای که هست اینکه ممکن است ده‌ها سازمان و نهاد فرهنگی و انجمن وجود داشته باشد ولی نتوانند تمهیدهای لازم برای یک مشارکت خودجوش، اثربخش و کیفی را برای مردم فراهم کنند. بنابراین کاربردی کردن چنین نهادهایی همراه با تعریف هدف‌ها و برنامه‌ریزی متنوع و جذاب می‌تواند مشارکت فرهنگی سازمانی و نهادی را به مثابه یک «هنجار» نهادینه سازد، ولی سازمان‌های نظارتی باید بر اساس اقتضائات سازمانی، اسناد بالادستی و جو سازمانی حاکم بر آن زمینه‌های مشارکت فرهنگی کارکنان را فراهم نمایند.

اقتدار فرهنگی در سازمان‌های نظارتی

فرهنگ‌ها می‌توانند اقتدار ایجاد نمایند. اگر ملتی از نظر فرهنگی به رشد و بالندگی برسد می‌تواند در تقابل با دیگر فرهنگ‌ها، دست‌مایه قدرت و برتری گردد. اقتدار فرهنگ‌ها از سه ویژگی ناشی می‌شود. این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: ۱- تنوع^۲: منظور از تنوع، داشتن باورها و ارزش‌های اساسی فراوان در حوزه‌های گوناگون حیات بشری است. به تعبیری فرهنگی غنی است که از تنوع در بینش، نگرش و باورها برخوردار باشد و می‌تواند برای همه زندگی بشریت در همه زمان‌ها و مکان‌ها پاسخ داشته باشد.

۲- وسعت اشتراک^۳: فرهنگ‌ها دارای ارزش‌ها و بینش‌هایی هستند که انسان براساس نیاز، ضرورت و تشخیص خود می‌تواند از آن ارزش‌های فرهنگی بهره‌مند گردد. در میان فرهنگ‌های گوناگون، فرهنگی قوی‌تر است که بتواند

^۱. Cultural participation

^۲. Thichness

^۳. Extent of sharing

قدرت اقناعی بیشتری داشته باشد، به تعبیری هرچه غنای یک فرهنگ در لایه‌های بینشی و ارزشی آن بیشتر باشد، قدرت تحریک‌کنندگی آن بیشتر خواهد بود؛ غنای یک فرهنگ می‌تواند مخاطبان خود را برای تأمین نیازهای آنان اقناع نماید و آنها را برای ثبات و پابندی به ارزش‌های موردنظر تحریک نماید.

۳- روشنی اولویت‌ها^۱: فرهنگی دارای اولویت‌های ارزشی است که از پویایی، رشد و بالندگی برخوردار باشد؛ با این ویژگی‌ها بین لایه‌های آن ثبات و اتحاد ارزشی شکل می‌گیرد و مخاطبان فرهنگی در انتخاب اولویت‌های ارزشی به باورهای لازم می‌رسند؛ فرهنگی که از باورها، نگرش‌ها و بینش‌های قوی برخوردار باشد و این ارزش‌ها را به روشنی تبیین نماید، از چنان قدرتی برخوردار است که می‌تواند ضمن ایجاد اقتدار فرهنگی، در برابر هرگونه ضدا ارزش‌ها مقابله کند و امنیت و آرامش درونی را در سازمان‌های نظارتی به وجود آورد چنین فرهنگی سبب ترویج ارزش‌های انسانی نیز می‌شود (باقری، ۱۳۹۴).

انسجام فرهنگی در سازمان‌های نظارتی

اقبال به انسجام نیازمند شکل‌گیری و استحکام یک باور اولیه در انسان است؛ انسان تا خویشتن را در جایگاه واقعی آن ارزیابی ننماید و تعالی و تکامل خویش را در بهره‌گیری از دیگران نجوید، آن‌گونه که شایسته است به انسجام و پیوند با دیگران فکر نمی‌کند. انسجام فرهنگی در واقع ارتباط و تعامل میان افراد در گروه‌های اجتماعی است که به دلیل اشتراکات فکری و اعتقادی و یا به واسطه نیاز به رفع مشکلات در گروه‌های کوچک و بزرگ شکل می‌گیرد، در چنین گروه‌هایی که به صورت هدفمند شکل می‌گیرد، آنچنان وابستگی و استحکام ساختاری و فرایندی ایجاد می‌شود که به آسانی منجر به شکست و گسست نمی‌گردد؛ در مرحله بعدی، انسجام بین افراد در سازمان‌های نظارتی سبب تقویت و استحکام سازمان شده و روح همکاری سازمانی برای تحقق هدف‌های سازمان ارتقاء می‌یابد.

کل فرهنگ، یک مجموعه همگون را تشکیل می‌دهد که اجزای مختلف آن با یکدیگر در آمیخته است. برای مثال فرهنگ اسلامی، اخلاق، اقتصاد، سیاست و عبادت به‌سان حلقه‌های یک زنجیره به هم مرتبط و پیوسته است. به همین دلیل اگر فرهنگ بیگانه وارد فرهنگ خودی شود و با آن هماهنگ و همسو نباشد، مزوی می‌شود و در غیر این صورت، موجب چند پارگی فرهنگی می‌گردد (حداد عادل، ۱۳۷۲: ۴۶).

چالش‌های فرهنگی در سازمان‌های نظارتی

هر نوع توسعه‌ای، برای تدوین راهبردهای کلان با چالش‌هایی مواجه است، برنامه‌ریزی توسعه فرهنگی که از پیچیده‌ترین و متنوع‌ترین برنامه‌های دولت‌ها، سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی است نیز از این قاعده مستثنا نبوده و در فرایند برنامه‌ریزی و اجراء با محدودیت‌ها و موانعی مواجه خواهد گشت؛ ایجاد همگرایی و مفاهیم بین مدیران و آحاد کارکنان، به‌کارگیری سامانه‌ها و فناوری‌ها، احصای ضعف‌ها، شناسایی خرده‌فرهنگ‌ها و بسیاری از مؤلفه‌های دیگر سازمانی از مشکلات موجود سازمان‌های نظارتی است. پژوهش‌های انجام شده در دهه اخیر در کشور چالش‌های زیر را در حوزه توسعه و پیوست فرهنگی نشان می‌دهد:

¹. Clarity of ordering

۱. وجود ابهام در بخش فرهنگ: بخش فرهنگ حوزه‌ای پرابهام است که حدود و ثغور آن روشن نیست. آثار بخش فرهنگ و سایر بخش‌ها و نداشتن شفافیت ارتباط علت و معلولی آنها بر ابهامات موجود می‌افزاید.

۲. ارتباط کلی‌ترین و جزئی‌ترین سطح فرهنگ: برنامه‌ریزی راهبردی ابزاری است که می‌خواهد بین کلی‌ترین هدف‌ها که مأموریت و چشم‌انداز سازمان است و جزئی‌ترین هدف‌ها که تدوین و اجرای دستورکارهاست ارتباط برقرار نماید. این ارتباط باید با توجه به ظرفیت‌ها و تهدیدهای عوامل محیطی و نیز نقاط ضعف و قوت عوامل داخلی کشف و تبیین گردد.

۳. کیفی بودن مقولات بخش فرهنگ: اغلب هدف‌ها در بخش فرهنگ به صورت مقولات کیفی تعریف می‌شوند. هدف‌هایی نظیر تعالی و رشد انسان‌ها، تربیت اسلامی-انسانی، استقلال فکری و روحی، پرورش روح و جسم، نزدیک‌شدن به خدا، خوب‌بودن، سعادت و سعادت‌مندی و... از جمله هدف‌هایی هستند که در مستندات مربوط به بخش فرهنگ مورد توجه قرار می‌گیرند.

۴. کمبود و نقص اطلاعات و آمار: هر نوع تصمیم‌گیری نیاز به اطلاعات و آمار دقیق، صحیح و به موقع دارد. اطلاعات و آمار در بخش فرهنگ در کشور یا ناقص است یا در دسترس نیست و یا اگر قابل دست‌یابی است، به روز نیست. تولید، پردازش و تحلیل و تفسیر داده‌های فرهنگی متولی خاصی در کشور ندارد. البته برخی سازمان‌ها یا وزارتخانه‌ها اقدام‌هایی در این زمینه انجام داده‌اند؛ اما این گزارش‌ها نیز از اشکالاتی نظیر ناکافی بودن و به‌روزنبودن برخوردار است.

۵. وجود دستگاه‌های متعدد متولی امر فرهنگ: وجود متولیان و دستگاه‌های مختلف در بخش فرهنگ بر ابهام و پیچیدگی‌های موجود افزوده است. این مسئله از یک سو انجام فعالیت‌های موازی و مشابه و به دنبال آن هدررفتن منابع را در پی دارد و از سوی دیگر باعث بر زمین‌ماندن برخی فعالیت‌ها در حوزه فرهنگ می‌شود. همچنین وجود دستگاه‌های مختلف در این عرصه باعث پاسخ‌گونی نبودن آنها در قبال معضلات و مشکلات فرهنگی شده است (نگاهداری و همکاران، ۱۳۸۶: ۵۵-۵۳)؛ و از آنجایی که فرهنگ هر سازمان از فرهنگ حاکم بر جامعه تأثیر می‌پذیرد، چالش‌های فرهنگی موجود در جامعه بر سازمان‌های نظارتی نیز اثرگذار است.

پیوست فرهنگی: مدیریت فرهنگی کشور در دو سطح انجام می‌گیرد:

۱- سطح راهبردی (مدیریت راهبردی فرهنگ کشور)؛

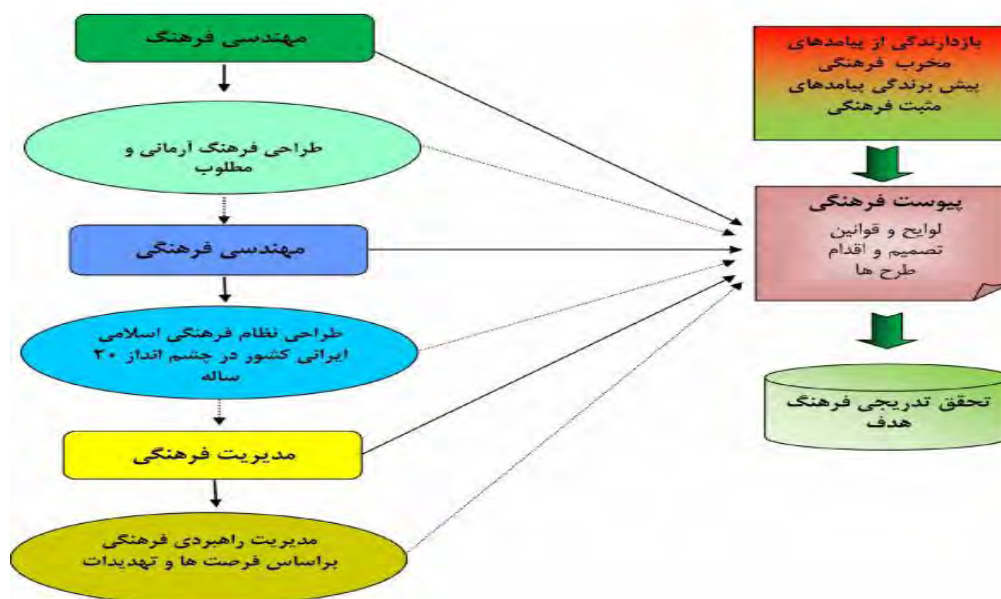
۲- سطح اجرا (مدیریت فرهنگ دستگاه‌های فرهنگی و غیر فرهنگی)

مدیریت راهبردی مدیریت بازده است و مدیریت اجرایی، مدیریت فرایند است (ناظمی، ۱۳۸۴: ۶۰).

پیوست فرهنگی ابزار پیوند بین مدیریت راهبردی و مدیریت اجراست؛ یعنی شاخصه‌ها، سیاست‌ها، روش‌ها، نرخ و سهم تأثیرهای کلان فرهنگی «کل» کشور و در سطح مدیریت راهبردی کشور تنظیم می‌شود، باید برای اعمال در مقیاس کوچک‌تر در سطح سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی آماده‌سازی مجدد شود. آنچه که در قرارگاه‌های مدیریتی فرهنگ، همچون شورای عالی انقلاب فرهنگی باید تأمین شود این است که:

۱- سیاست‌های حاکم بر چگونگی حضور «نقشه»‌های فرهنگی کلان در «موضوع‌های خرد» و عینی را تنظیم کند؛

۲- نحوه نظارت بر آن را نیز در چارچوب قوانین علمی و اجرایی مشخص کند.



نمودار فرایند پیوست فرهنگی

نقش پیوست فرهنگی در سازمان‌های نظارتی

سازمان‌های نظارتی به علت طبیعت فعالیت‌های خود، داده‌ها و اطلاعات آشکار فراوانی در بسیاری از موضوع‌ها، اشخاص و مسائل را در اختیار دارند. این سازمان‌ها می‌توانند در نتیجه انتشار به موقع برخی اخبار و اطلاعات، ارتباط میان برخی از دولت‌ها، گروه‌ها و افراد را با یکدیگر تقویت کرده و یا دچار فرسایش و تنش نمایند. این توانمندی که می‌تواند در راستای منافع و مسائل سیاسی صرف گردد، محصول دانایی و دانشی است که در اختیار سازمان‌های نظارتی قرار دارد (ذوالفقاری، ۱۳۹۱)؛ به عبارتی چنانچه در سازمان‌های نظارتی تصمیم‌های صحیح، هدفمند و مبتنی بر اطلاعات گرفته شود، جامعه و ملت‌ها نیز می‌توانند از آن منتفع گردند. در فرایند گرفتن تصمیم‌های نظارتی، مؤلفه‌های گوناگونی در درون سازمان نقش دارند که فرهنگ سازمانی در ایجاد هم‌گرایی و انسجام درونی یکی از زیرساخت‌های مهم سازمانی بوده و سازمان‌های نظارتی می‌باید با مدیریت فرهنگی به توسعه و پیوست آن بپردازند لذا توسعه و پیوست فرهنگی در سطوح فردی و سازمانی دارای نقش‌های زیر است:

سطح فردی:

- افزایش حمیت و تعلق سازمانی؛
- توجه به ارزش‌های اخلاقی در سازمان؛
- ارتقای تعهد کارکنان و توجه به وجدان کاری؛
- افزایش سطح یادگیری سازمانی؛
- توسعه مسئولیت‌پذیری، امانت‌داری، پیروی از مقررات و هنجارهای سازمانی.

سطح سازمانی:

- تقویت حرفه‌گرایی و تخصص‌طلبی؛
- توجه به انسان‌مداری، شایسته‌سالاری، خدمت‌گزاری؛

• گسترش اقتدار، عدالت و انصاف، مشارکت‌طلبی، انضباط و انسجام سازمانی.

آثار و نتایج پیوست فرهنگی در سازمان‌های نظارتی:

برنامه‌ریزی در حوزه‌های فرهنگی یک فعالیت گسسته و مقطعی نیست بلکه اقدامی عملی و مستمر و ایجاد سازوکار هدایت منطقی فعالیت‌ها، استفاده از امکانات بالقوه و بالفعل و ظرفیت‌های نهادهای فرهنگی برای تحقق آرمان‌های اسلام و دیدگاه‌های بنیان‌گذار جمهوری اسلامی و منویات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) (به عنوان اصلی‌ترین نیاز سازمان‌های نظارتی) است؛ بنابراین، دقت و تأمل در آن و ایجاد باورهای مشترک برای همه سازمان‌های نظارتی یک تصمیم و مشارکت آگاهانه سازمانی بوده و تنها با تلاش بی‌وقفه و مستمر محقق خواهد شد؛ بنابراین، می‌توان اذعان داشت که این نوع برنامه‌ریزی نتایج زیر را به همراه خواهد آورد:

• ایجاد ارتباط و تعامل با دستگاه‌های فرهنگی و همسویی آن با هدف‌های کلان فرهنگی کشور؛
• تقویت تعهد و مسئولیت سازمانی، افزایش اعتماد سازمانی، ایجاد رفتارهای جدید در کارکنان؛
• تقویت خودباوری سازمانی و تحقق استقلال فرهنگی و انسجام سازمانی در ابعاد گوناگون با توجه به الگوهای فرهنگی بومی؛

• ایجاد محیط مساعد برای رشد و تعالی انسان، رشد فضائل اخلاقی و مشارکت کارکنان در تعیین سرنوشت فرهنگی خود به منظور فرهنگ سازمانی؛

• تقویت روح تتبع و ابتکار، خلاقیت و نوآوری در زمینه‌های علمی، نظارتی و حرکت به سمت سازمان دانش‌بنیان؛
• رشد و توسعه باورهای دینی و ارزش‌های اصیل فرهنگی در مدیران و کارکنان، همراه با ایجاد و تقویت محیط بانشاط سازمانی؛

• تقویت روحیه امید، اعتماد، تلاش جمعی، مشارکت و ترویج قسط و عدالت در سازمان؛
• توسعه علوم، دانش و فناوری و رشد علمی، پژوهش و تولید علم و نهادینه‌سازی آن در سازمان‌های نظارتی؛
• نهادینه‌سازی فرهنگ سازمانی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی و کرامت انسانی و ارج نهادن به سرمایه‌های انسانی موجود در سازمان‌های نظارتی؛

• تقویت ثبات و امنیت در همه ابعاد زندگی سازمانی کارکنان و ایجاد محیطی امن و سالم و تقویت احساس امنیت و آرامش درون سازمانی، تقویت همدلی و هم‌گرایی بین جامعه نظارتی و ارتقای توان نظارتی و افزایش بهره‌وری سازمانی (باقری، ۱۳۹۴).

«... غرب جدید که تمایل بسیار زیادی به تصرف و سلطه بر جهان دارد، نظریات راجع به سادگی قابل کنترل بودن اخلاق، رفتار و اعتقادات مردم را نمی‌پذیرد و یا الگویی برای آن ارائه نمی‌دهد؛ اما فرهنگ اسلامی اولاً به خاطر عقبه بسیار پر مشقتی که از ناحیه حاکمان ظالم و زورگوی ممالک اسلامی به ملل مسلمان تحمیل شده است و ثانیاً به خاطر اعتقادات و احکام به وضوح فرهنگی اسلام، قابل هدایت‌بودن فرهنگ را به روشنی باور دارد. تجربه ۳۰ ساله انقلاب اسلامی ایران با تمام ضعف‌ها و قوت‌هایش نماینده تجربه‌ای منحصر به فرد در مدیریت راهبردی فرهنگ‌محور در دنیای معاصر است و تجربیات بسیاری را برای استفاده جهانیان به ارمغان آورده است. مسیر طی شده تا تحقق مدیریت راهبردی فرهنگی کشور پهناور ایران تا کنون شکل منطقی را طی کرده است»

که اخیراً، مفهوم جدیدتری به عنوان پیوست فرهنگی نیز به آن اضافه شده است» (مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، ۱۳۸۱/۹/۲۶).

ضرورت‌های پیوست فرهنگی:

توجه به مقولات اجتماعی و فرهنگی و لحاظ کردن آن در الگوی پیشرفت و توسعه، جنبه‌های مختلفی دارد. یکی از جنبه‌های مذکور، بررسی پیامدها و دستاوردهاست؛ به عبارت دیگر، توجه به مقوله‌های اجتماعی و فرهنگی و نقش آنها در توسعه و پیشرفت، از مسیر آثار و پیامدهای سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌ها بر مقوله‌های ذکر شده است. در حال حاضر، این حوزه در ادبیات پژوهشی دنیا حوزه ارزیابی آثار اجتماعی و فرهنگی نام دارد. ظهور این حوزه مطالعاتی برای رفع خلأهای موجود در فرایند توسعه سیاست‌محور، اقتصادمحور، فن‌سالار، آمرانه و... بود. این فرایند توسعه، مبتنی بر بیشترین منافع و کمترین هزینه‌ها بود. این امر به شناخت قوت‌ها و ضعف طرح‌ها کمک مؤثری می‌کند که طی آن پس از توصیف، تحلیل و تبیین مسائل شهروندان که ناشی از اجرای طرح‌هاست، هدف، دستیابی به الگویی واقع‌گرا، جامع‌نگر و آینده‌نگر است که در نتیجه آن، بتوان به مدیریت و مهندسی حوزه‌های مختلف جامعه پرداخت (ابراهیم‌پور و مصطفوی، ۱۳۸۷: ۸۸)؛ بنابراین، فرایند ارزیابی آثار طرح‌ها، جزء مهمی از برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌ها، برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌هاست که در سراسر جهان به کار گرفته می‌شود (بکر و ونکلی، ۱۳۸۸: ۳۱).

ارزیابی آثار فرهنگی و اجتماعی، ذیل مباحث توسعه فرهنگی می‌گنجد. یونسکو و پژوهشگرانی که نخستین بار مفهوم توسعه فرهنگی را به کار بردند، جریان‌های تاریخ توسعه را مورد توجه قرار دادند. به اعتقاد ایشان، تاریخ توسعه شاهد بی‌توجهی به نقش فرهنگ و ویژگی‌های زندگی مردم در اقدام‌های توسعه‌ای بوده است. همان‌طور که بیان گردید، این ایده از میانه دهه ۱۹۷۰ مطرح شد که اقدام‌های توسعه‌ای باید با توجه به حقوق مردم، ویژگی‌های غیراقتصادی اجتماعات میزبان توسعه، لحاظ کردن دانش بومی و مشارکت دادن مردم در فرایند تصمیم‌گیری و اجرای اقدام‌های توسعه‌ای انجام شود. توسعه فرهنگی در این معنای خاص، توسعه امکانات تولید، توزیع، مصرف و فعالیت فرهنگی نیست و ویژگی‌های خاص لازم برای نیل به توسعه را شامل نمی‌شود.

گرچه گسترش تولید، توزیع و مصرف فرهنگ، می‌تواند زمینه‌ساز توسعه فرهنگی باشد. توسعه فرهنگی در این معنا به معنای انجام اقدام‌های توسعه‌ای، نظیر ساخت سد، کارخانه، شهرسازی، توسعه کشاورزی و... است. توسعه با توجه به ویژگی‌های فرهنگی، روابط قدرت، گروه‌های ذی‌نفع و همه موجودیت‌های اجتماعی و فرهنگی خاصی صورت می‌گیرد که در یک جامعه وجود دارد. در این رویکرد، هدف‌های توسعه‌ای به گونه‌ای تنظیم می‌شود که حداکثر مشارکت مردم در توسعه تحقق یابد، نیازهای مردم در اولویت قرار گیرد و فرایندی مشارکتی بر کل فرایند نیازسنجی تا اجرای سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌های توسعه حاکم گردد. در فرایند توسعه فرهنگی، با توجه به متغیرهایی مانند عدالت اجتماعی، عدالت جنسیتی، شنیدن صداهای اقشار ضعیف در فرایندهای توسعه‌ای، ارزش‌هایی نظیر عدالت و کرامت انسانی در بطن اقدام‌های توسعه‌ای و رویکردهای مدیران توسعه و محور قرارگرفتن انسان و ارزش‌های او در فرایند توسعه تأکید می‌شود. مفهوم تأثیر فرهنگی به پیامدهای هر نوع اقدام یا

سیاست جمعی یا خصوصی افراد انسانی گفته می‌شود که تا اندازه زیادی بر ارزش‌ها، هنجارها، باورها، کردارها، نهادها، سبک زندگی، کار، جامعه‌پذیری و سازماندهی آنها تأثیر می‌گذارد (Sagnia, 2004: 4).

از این شاخص‌ها و متغیرهای پیوست فرهنگی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت مفهوم ارزیابی تأثیر فرهنگی (Assessment Impact Cultural) به معنای ارزیابی آثار طرحی بر باورها، ارزش‌ها، یا عملکرد و سایر مؤلفه‌های فرهنگی جمعیت خاصی است که طرح یا برنامه‌ای قرار است برای آنها اجرا شود. فلسفه وجودی ارزیابی تأثیر فرهنگی و اجتماعی، تلاش آگاهانه و از پیش طراحی شده برای جلوگیری از آثار مخرب فرهنگی و اجتماعی، سیاست‌ها، برنامه‌ها، طرح‌ها، بهره‌گیری از علوم، فناوری‌ها، روش‌ها و الگوهای وارداتی و نیز اصلاح کارکردهای فرهنگی فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و داخلی است تا بتوان آثار غیرمستقیم فرهنگی و اجتماعی و آثار ناخودآگاه و ناخواسته آنها در حوزه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را کاهش داد (بنیانیان، ۱۳۸۷).

در سطح جهانی، بانک جهانی، بانک توسعه آسیایی، انجمن بین‌المللی ارزیابی تأثیر اجتماعی و کمیته بین‌المللی ارزیابی تأثیر از جمله نهادهایی هستند که به منظور بررسی پیامدهای اجتماعی و فرهنگی برنامه‌های توسعه یا کمک مالی به کشورها به تدوین دستورکارها و چارچوب انجام مطالعات ارزیابی تأثیر پرداخته‌اند. در ایران نیز با توجه به تأکید برنامه پنجم توسعه بر لزوم انجام پیوست‌های فرهنگی و با توجه به پیامدهای برنامه‌ها، سیاست‌ها و طرح‌های توسعه، فعالیت‌هایی (تدوین دستورکارهای اجرایی، همایش و گردهمایی و...) برای عملیاتی کردن آن انجام شده است. در پژوهش حاضر تلاش شده است، شاخص‌ها و متغیرهای لازم در سنجش آثار و پیامدهای فرهنگی، استخراج و الگوی عملیاتی کردن سنجش پیامدها بر اساس الگوی جهانی تدوین گردد؛ بنابراین، اول اینکه دیدگاه‌هایی درباره شاخص‌های پیوست فرهنگی مورد نظر استخراج خواهد گردید. سپس تفاوت دیدگاه بین‌المللی موجود درباره پیوست فرهنگی و ارزیابی تأثیر فرهنگی با موارد مطرح در ایران و برنامه پنجم توسعه توضیح داده می‌شود. در پایان هم الگوی عملیاتی انجام پیوست‌نگاری فرهنگی با تأکید بر شاخص‌های استخراج شده در حوزه توسعه که مورد نظر همه سازمان‌ها به‌ویژه سازمان‌های نظارتی است بیان خواهد شد.

جایگاه پیوست فرهنگی در بررسی‌های مربوط به ارزیابی تأثیر تاریخیچه ارزیابی تأثیر به دهه ۱۹۵۰ بر می‌گردد؛ اما بعد از سال ۱۹۸۰، روش‌های جدیدی برای ارزیابی آثار مختلف به وجود آمد. در ابتدا آثار محیطی ارزیابی می‌شد و در ذیل آن نیز بررسی‌هایی با عنوان ارزیابی تأثیر اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... انجام می‌گردید؛ اما بعد هرکدام از حوزه‌های ذکر شده، مستقل شدند و خود حوزه جداگانه‌ای را تشکیل دادند (باینگانی و شکوهی، ۱۳۸۸).

ارزیابی تأثیر به معنای تغییرهای پایدار در زندگی مردم است که مداخله‌ای خاص آن را ایجاد می‌کند (Vanclay, & A. H, Becker, 2006). ارزیابی تأثیر به معنای ارزیابی چگونگی و میزان وقوع تغییر تعریف شده است. پیوست فرهنگی در ایران از سال ۱۳۸۶ در صحبت‌های رهبری در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی مطرح گردید. «در طرح‌های گوناگونی که در کشور تنظیم می‌شود. طرح‌های اقتصادی، طرح‌های پولی و مالی، طرح‌های عمرانی حتماً یک پیوست فرهنگی داشته باشد و...» (مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، ۱۳۸۶).



نمودار ۲-۳- ضرورت‌های محیطی و عرصه‌های اجتماعی

ملاحظه‌های جغرافیایی: انسان و محیط دو قطب اصلی مطالعات و ملاحظه‌های جغرافیایی را تشکیل می‌دهند و فعالیت‌های انسان بر زیربنایی از ترکیب‌های فیزیکی و طبیعی استوار است و این دو عنصر با توجه به ویژگی‌های خود بر هم تأثیرگذار بوده و از هم متأثر می‌شوند. در حقیقت ملاحظه‌های جغرافیایی، توانایی شناخت نظم و وابستگی چهره‌های طبیعی و انسانی و دریافت نتایج حاصل از آن است.

به طوری که گفته شد دو قطب علم جغرافیا از عوامل محیط طبیعی و فرهنگ جامعه انسانی تشکیل شده است. در جغرافیا که موضوع اصلی آن شناخت تضادها و ناهماهنگی‌ها در کره زمین است، مفهوم انسان در قالب و نقش یک عامل محوری ظاهر می‌شود تا با فرهنگ خویش تضادها را مشخصات ویژه‌ای ببخشد، مثل این است که یک سیاره بدون انسان فاقد همه منابع طبیعی است و مرده و بی‌جان به نظر می‌رسد. وسعت‌گیری نقش انسان در علم جغرافیا به خاطر امتیازی است که این علم به انسان بخشیده است. انسان منابع طبیعی سیاره زمین را مورد بهره‌برداری قرار می‌دهد تا در برابر سیاره فیزیکی یک سیاره فرهنگی خلق کند.

با توجه به عوامل محیط طبیعی و ویژگی‌های جامعه انسانی علم جغرافیا را می‌توان به دو بخش اصلی تقسیم کرد:

الف) جغرافیای طبیعی: استیپ^۱ جغرافیدان معروف انگلیسی جغرافیای طبیعی را بدین‌سان تعریف می‌کند: مطالعه جغرافیایی از چهره‌های طبیعی سیاره زمین. این رشته از جغرافیا به تجزیه و تحلیل سنجش پراکندگی اشکال زمین، آب و هوا، آب‌ها و خاک‌ها، گیاهان، حیوانات، معادن و سایر پدیده‌های طبیعی می‌پردازد (تعریف جغرافیای طبیعی). شاخه‌های اصلی جغرافیای طبیعی را می‌توان به شرح زیر مورد مطالعه قرار داد:

۱- ژئومورفولوژی: از اشکال زمین پیدایش و تکوین و پراکندگی آنها بحث می‌کنند. ژئومورفولوژی به‌وسیله ویلیام دوپس (۱۹۳۴-۱۸۵۰ م) جغرافی‌دان آمریکایی شکل‌گرفت و با تحقیقات ارزشمند جغرافی‌دانانی نظیر (والتر پنگ، کینگ، لئو، چرلی) که به قوانین و اصول علمی خود رسید.

۲- جغرافیای خاک: بررسی عوامل و مراحل تشکیل خاک و عوامل آلی و غیرآلی در آن. نقش آب و هوا در نوع خاک، بهره‌برداری از خاک، طبقه‌بندی و پراکندگی انواع خاک‌ها در قلمرو این رشته مورد مطالعه قرار می‌گیرد. جغرافیای خاک وابستگی خاصی به جغرافیای طبیعی و جغرافیای کشاورزی و روستایی دارد؛ و تا این اواخر به علت کمبود متخصص و

¹ Stip

محدود بودن بخش مربوط به آن در کتاب‌های دانشگاهی تا حدودی فراموش شده بود. امروزه اغلب جغرافی‌دانان در شروع کار تحصیلات دانشگاهی انتخاب چند واحد درسی را از جغرافیای خاک به دانشجویان رشته جغرافیا توصیه می‌کنند.

۳- بیوژئوگرافی: مطالعه جغرافیایی است که از پراکندگی گیاهی و حیوانی در خشکی‌های سیاره زمین که به دو بخش جغرافیای گیاهی و جغرافیای انسانی تقسیم می‌شود. در سال‌های اخیر در نتیجه وسعت‌گیری نقش بیوژئوگرافی در علم جغرافیا اصول و مفاهیم آن در موازین علمی و تازه قرار گرفته و حدود قلمرو آن به میزان قابل ملاحظه‌ای گسترش یافته است. نقش‌یابی بیوژئوگرافی به عنوان یکی از شاخه‌های مهم جغرافیا بیش از همه مدیون کرول (آلمانی) کوچر (آمریکایی) هنری گوسن (فرانسه) است. بیوژئوگرافی اغلب مفاهیم جغرافیای گیاهی و حیوانی را به همراه دارد ولی در عمل پراکندگی گیاهان بیش از پراکندگی حیوانات توجه می‌کند. در اغلب نواحی جغرافیایی عمل انسان به وسیله سوزاندن، قطع کردن، تخریب جنگل‌ها و یا چرانیدن دامنه می‌تواند تغییرهایی در حدود و مرزهای پوشش گیاهی به وجود آورد. از این رو عده‌ای از جغرافی‌دانان با توجه به نقش انسان در دگرگونی چهره‌های گیاهی سیاره زمین و همچنین در اختیار گرفتن انواع حیوانات، بیوژئوگرافی را جزء جغرافیای انسانی مطالعه می‌کنند (مدبر، ۱۳۸۸: ۶-۹).

ب) جغرافیای انسانی: مطالعه جغرافیایی از چهره‌ها و پدیده‌های سطحی سیاره زمین است که مستقیم با انسان و فعالیت‌های او در ارتباط است. هربرت کریل جغرافی‌دان آمریکایی معتقد است جغرافیای انسانی به تجزیه و تحلیل پراکندگی انسان و فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی او می‌پردازد. با توجه به دو تعریف ذکر شده می‌توان خطوط اصلی جغرافیای انسانی را چنین تعریف کرد.

الف- در جغرافیای انسانی عواملی مورد مطالعه قرار می‌گیرد که انسان به وسیله آنها قادر است به بخش‌هایی از سطح سیاره زمین شکل دهد.

ب- در جغرافیای انسانی به بخش‌هایی از سطح سیاره زمین که به وسیله انسان شکل پذیرفته است مورد بررسی قرار می‌گیرد.

تقسیم‌های اصلی جغرافیای انسانی به شرح زیر مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

۱- جغرافیای اقتصادی: جغرافیای اقتصادی یعنی مطالعه پراکندگی فعالیت‌های انسانی در حوضه‌های تولید و مصرف کالا و خدمات جغرافیای اقتصادی بیش از همه با تراکم جمعیت و عوامل جغرافیای طبیعی گره خوردگی دارد.

۲- جغرافیای سیاسی: جغرافیای سیاسی به عنوان یکی از شاخه‌های مهم جغرافیای انسانی به مطالعه واحدهای متشکل سیاسی و فرایندهای سیاسی می‌پردازد. جریان فرایند سیاسی در بستر مکان، روابط تشکلی‌های سیاسی مبتنی بر بنیادهای جغرافیایی حتی اتخاذ سیاست‌های مبتنی بر واقعیت‌های جغرافیایی که با عنوان ژئوپلیتیک در جهان امروز متداول است، در چارچوب مطالعات جغرافیای سیاسی قرار می‌گیرد (بدری‌فر، ۱۳۸۸: ۳-۱۰).

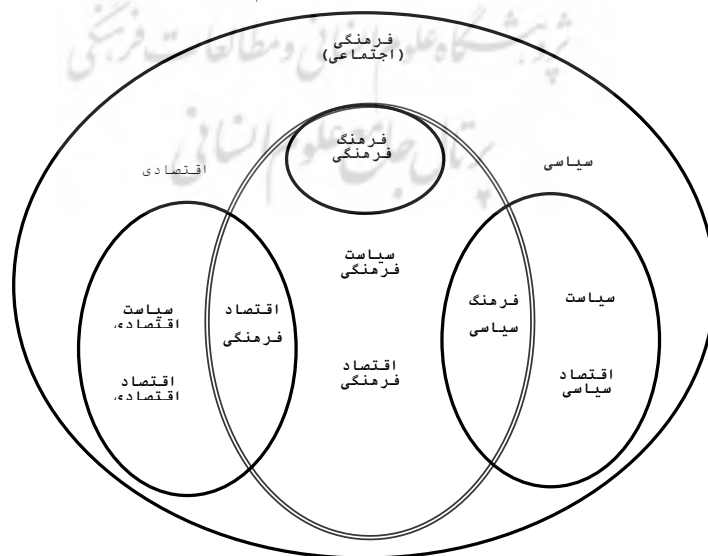
۳- جغرافیای فرهنگی: از پراکندگی جمعیت و فرهنگ آنها و همچنین از اصول و عوامل وابسته به آنها بحث می‌کند. جغرافیای فرهنگی به مطالعه نقش فرهنگ در شناخت مفهوم فضا می‌پردازد و در این شناخت به شیوه فراهم آمدن فرایندهای مختلف در مکان‌های ویژه نظر دارد (کرنگ، ۱۳۸۳: ۵-۶). شکل‌گیری محیط‌های جغرافیایی که توانایی پذیرش اجتماعات انسانی را دارند، از موقعیت جغرافیایی‌شان تأثیر می‌گیرد. گوناگونی محیطی برآمده از ناهمسانی‌های موقعیتی، به پیدایش فرهنگ‌های متفاوت می‌انجامد. ظرفیت‌های محیطی نقش اساسی در تراکم، پراکندگی و الگوی هم‌زیستی اجتماعات انسانی ایفا می‌کنند. انسان نیز به عنوان موجودی آفریننده و اندیشمند کوشیده تا متناسب با توان‌های محیطی‌اش، به خلق شرایط مناسب خود بپردازد.

تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

پژوهش حاضر، بدین دلیل که به آزمودن تأثیر متغیر ملاحظه‌های جغرافیایی در پیوست فرهنگی طرح‌های توسعه ملی در ایران می‌پردازد و دانش کاربردی در مورد تأثیرپذیری میان این دو متغیر را توسعه می‌دهد، از لحاظ هدف، پژوهش کاربردی محسوب می‌شود و از نظر شیوه گردآوری و تحلیل اطلاعات، این پژوهش توصیفی (توصیف وضعیت متغیرها و نیز روابط میان آنها) و از نوع همبستگی (تحلیل همبستگی، فن تحلیل آماری و الگوی معادله‌های ساختاری روابط هم‌زمانی میان متغیرها) است (بازرگان هرندی، سرمد، حجازی و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۳۲).

ساختار کلی پرسش‌نامه را بر اساس تعداد متغیرها و ابعاد مورد بررسی انجام شده (نظام‌نامه پیوست فرهنگی طرح‌های مهم و کلان کشور شماره ۹۲/۳۸۰۷/دش ۱۳۹۲/۴/۱۱) با وجود این بر اساس ابعاد و سازه‌های مستخرج از نظام‌نامه مزبور ابعاد فرهنگ فرهنگی و فرهنگ اجتماعی با توجه به نزدیکی مضامین و شاخصه‌ها در یک بعد یعنی فرهنگ فرهنگی استفاده شده‌اند. بی‌توجهی به زمینه‌های جغرافیایی در پیوست‌های فرهنگی طرح‌های توسعه ملی، نگارنده را بر آن داشت که با لحاظ ملاحظه‌های جغرافیایی برگرفته از سند جامع پیوست فرهنگی به نوعی الگوی ترکیبی از آنچه هست و آنچه باید باشد به تهیه پرسش‌نامه بپردازد.

ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده از ۰/۸. بیشتر بوده و حاکی از آن است که پرسش‌نامه طراحی شده از قابلیت اطمینان بالایی برخوردار است. با توجه به قلمرو مکانی و زمانی، جامعه آماری پژوهش را «استادان و دانشجویان (مقطع دکتری و ارشد)» دانشگاه‌های تهران تشکیل می‌دهند. در این پژوهش برای تعیین حجم نمونه از جدول (مورگان سکاران، ۲۰۰۱) بهره گرفته شده است. بر اساس آمار به دست آمده از جدول مورگان و با توجه به حجم جامعه در این پژوهش نمونه برابر ۱۰۰ نفر برآورد گردید. روش نمونه‌گیری پژوهش حاضر، تصادفی خوشه‌ای است، زیرا ابتدا دانشگاه‌های مدنظر به عنوان خوشه انتخاب شده و سپس درون هر دانشگاه تعدادی استاد و دانشجو مرتبط با رشته‌های مدیریت (فرهنگی)، جغرافیای (سیاسی) و علوم سیاسی انتخاب شده است.



الگوی کلی پذیرفته شده محدوده پیوست فرهنگی پژوهش

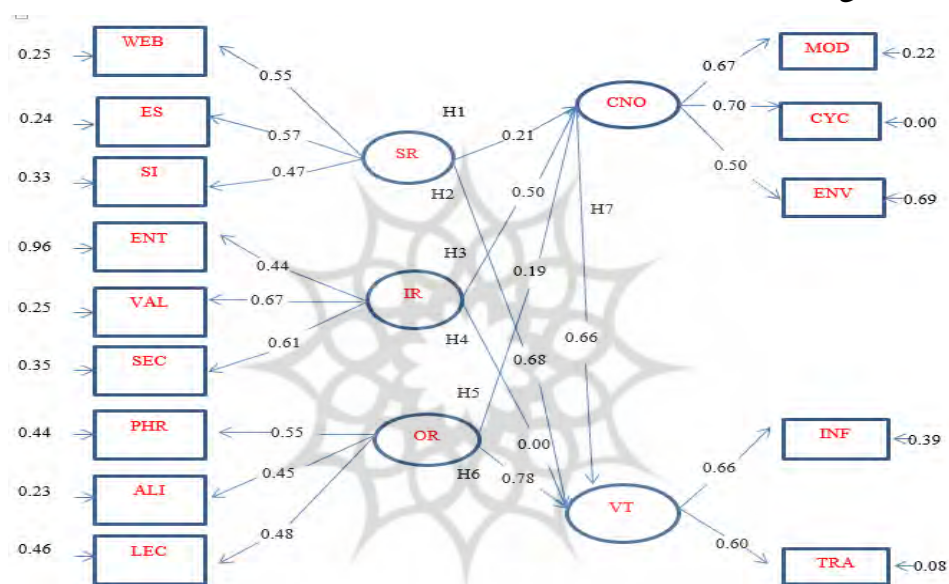
جدول ساختار کلی پرسش‌نامه منبع: یافته‌های پژوهش

تحلیل آماری

در بین پاسخ دهندگان ۷۰ نفر دارای مدرک کارشناسی ارشد و ۳۰ نفر دارای مدرک دکترا بوده، بیشترین فراوانی مربوط به مدرک کارشناسی ارشد با تعداد ۷۰ درصد است، ۴۰ نفر از پاسخ‌دهنده‌ها دارای سابقه کاری در زمینه جغرافیای فرهنگی و مسائل فرهنگی بوده‌اند، از لحاظ میزان آشنایی با پیوست فرهنگی تنها ۶ نفر آشنایی کمی داشته و ۸۶ نفر آشنایی زیادی با پیوست فرهنگی و مطالب و مباحث حول آن داشتند.

شکل ذیل الگوی ساختاری پژوهش را برای تأیید فرضیه‌ها پژوهش نشان می‌دهد.

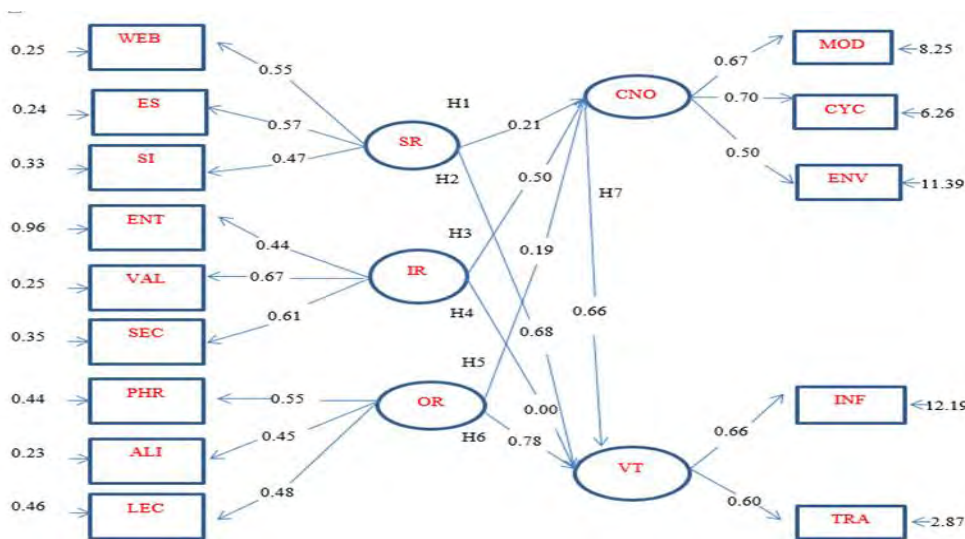
این الگوی در حالت تخمین استاندارد نشان داده می‌شود. شکل بعدی از آن نیز معناداری پارامترها را به منظور آزمون فرضیه‌ها نشان می‌دهد.



Chi-square=172.66 df=67 p-value=0.00000 Rmsea=0.074

الگوی ساختاری پژوهش برای تأیید فرضیه‌ها پژوهش درحالت استاندارد

متغیرهای مورد بررسی ملاحظه‌های جغرافیایی	ابعاد مورد بررسی	جمع سؤال‌ها	ضریب الفای کرونباخ
میزان تأثیر ملاحظه‌های طبیعی	اقلیم	۲	.۸۸
	زمین شناسی	۲	
	زیستی	۲	
میزان تأثیر ملاحظه‌های اقتصادی	تولید	۳	.۹۳
	تجارت	۳	
	خدمات	۲	
	خودکفایی	۳	
میزان تأثیر ملاحظه‌های سیاسی	امنیت	۳	.۸۸
	استقلال	۳	
	آزادی	۳	
میزان تأثیر ملاحظه‌های فرهنگی	هویت	۳	.۹۱
	عدالت	۳	
	آموزش	۳	



Chi-square=172.66 df=67 p-value=0.00000 Rmsea=0.074

ارائه مدل ساختاری پژوهش به منظور آزمون فرضیه‌ها در حالت معناداری متغیرها

الگوی اندازه‌گیری شده با ۴ سازه (براساس نظام‌نامه پیوست فرهنگی طرح‌های مهم و کلان کشور شماره ۹۲/۳۸۰۷/دش ۱۳۹۲/۴/۱۱ و پیوست فرهنگی پذیرفته شده) با استفاده از تحلیل مسیر در الگوی معادله‌های ساختاری مربوط به شاخص‌های الگوی مذکور را t -Value آزمون شد. جدول ذیل بار عاملی و همبستگی هر شاخص (Sig) و معناداری به جز (INT) نشان می‌دهد. همه بارهای عاملی بیشتر از ۰,۴۰ نشان داده شده است؛ بنابراین الگوی ارزیابی شده به خوبی فرضیه‌های پژوهش در سطح ۵ درصد را نشان می‌دهد.

جدول بارعاملی و t -Value الگوی ارزیابی شده

معیار	بارعاملی	معناداری
سیاسی		
امنیت	۰/۷۰	۱۶/۷۱
استقلال	۰/۶۸	۱۶/۱۲
آزادی	۰/۶۰	۱۵/۷۷
طبیعی		
اقلیم	۰/۷۱	۱۶/۸۰
زمین شناسی	۰/۷۰	۱۶/۷۱
زیستی	۰/۵۹	۱۳/۹۰
اقتصادی		
تولید	۰/۴۹	۱۲/۲۶
خدمات	۰/۵۸	۱۳/۶۳
خودکفایی	۰/۴۸	۱۲/۱۰
فرهنگی		
هویت	۰/۶۹	۱۶/۲۵
عدالت	۰/۵۷	۱۳/۵۰
آموزش	۰/۶۸	۱۶/۱۲

منبع: یافته‌های پژوهش

ویژگی‌های ساختاری ۴ سازه و شاخص‌های آن (در مقیاس ابعادی) با استفاده از اعتبار هم‌گرا و واگرا در تحلیل عاملی تأییدی و تحلیل مسیر قابل بررسی است. در این بخش، پژوهشگر قصد دارد تا با استفاده از اعتبار سازه و میانگین واریانس‌های استخراج شده در خروجی نرم‌افزار لیزرل (Bagozzi, R. P, & Youjae, Y, 1988) به تحلیل این سازه به منظور تأیید انتخاب مناسب فرضیه‌ها بپردازد. رویکردی دیگر که به منظور تأیید روایی سازه در الگوی مفهومی مطرح شده توسط فورنل و لارکر (۱۹۸۱) عنوان شده است. بر اساس این رویکرد همبستگی دو دویی بین متغیرهای پژوهش خود نشان از برازش خوب

الگوی مفهومی خواهد بود. این نتایج از خروجی نرم‌افزار لیزرل و با استفاده از میانگین واریانس‌های استخراج شده حاصل شده است. جدول ذیل نتایج این نوع روایی را در مورد سازه‌های پژوهش نشان می‌دهد. این سازه، اعتبار بالایی را در الگوی مفهومی پژوهش نشان می‌دهند؛ بنابراین، الگوی ارزیابی شده در سطح خوبی از اعتبار سازه قرار دارد.

جدول آزمون اعتبار ابعاد ملاحظه‌های جغرافیایی در پیوست فرهنگی طرح‌های توسعه ملی

طبیعی	سیاسی	اقتصادی	فرهنگی
طبیعی	۰/۵۲		
سیاسی	۰/۴۳	۰/۶۵	
اقتصادی	۰/۳۶	۰/۶۰	۰/۵۷
فرهنگی	۰/۵۳	۰/۶۰	۰/۵۵

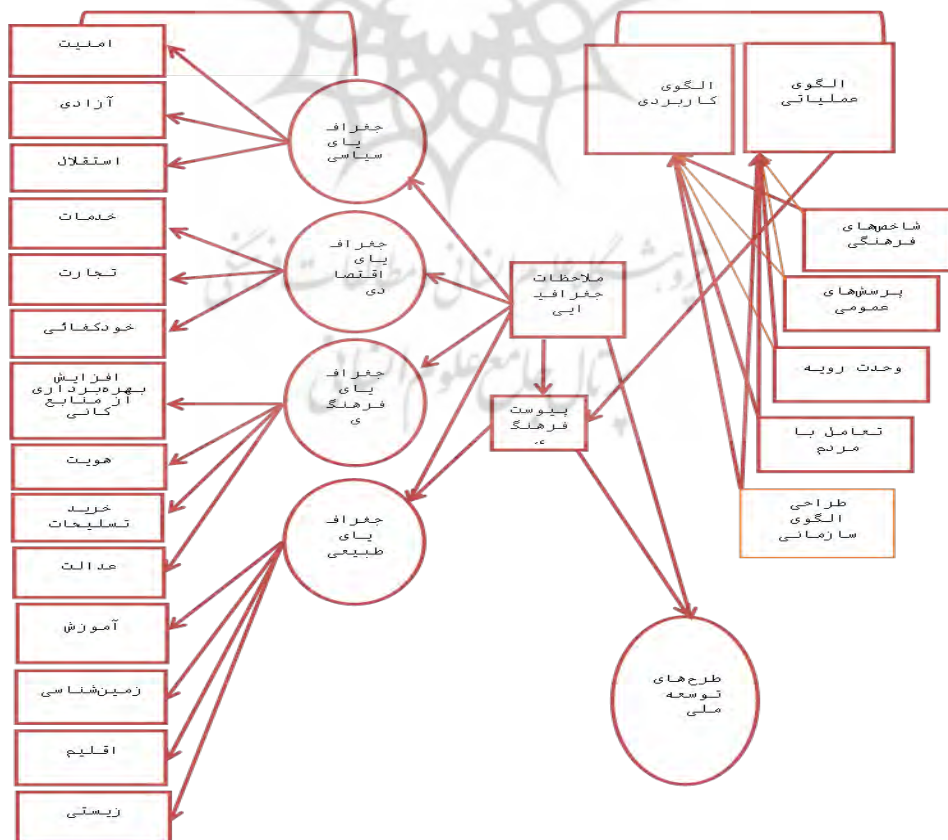
منبع: یافته‌های پژوهش

جدول بالا نتایج مربوط به آزمون الگوی پیشنهادی به منظور تأیید یا رد فرضیه‌ها و جدول ذیل نتایج آزمون فرضیه‌ها را نشان می‌دهد.

Comparative Fit Index (CFI)	Non-Normed Fit Index (NNFI)	Normed Fit Index (NFI)	Root Mean Square Error of Approximation	Adjusted Goodness of Fit Index	Goodness of Fit Index (GFI)	Root Mean Square Residual (RMR)	χ^2/df
۰/۹۰	۰/۹۲	۰/۹۶	۰/۰۳۳	۰/۹۵	۰/۹۴	۰/۰۲۹	۲/۵۶

جدول نتایج آزمون فرضیات مربوط به ملاحظه‌های جغرافیایی با توجه به تحلیل مسیر

فرضیه‌ها	مسیر	تخمین استاندارد	معناداری پارامترها	نتایج آزمون
۱	ابعاد ملاحظه‌های سیاسی در پیوست فرهنگی	۰/۶۵	۷/۳۰	تایید
۲	ابعاد ملاحظه‌های اقتصادی در پیوست فرهنگی	۰/۵۷	۹/۰۲	تایید
۳	ابعاد ملاحظه‌های فرهنگی در پیوست فرهنگی	۰/۶۴	۸/۶۸	تایید
۴	ابعاد ملاحظه‌های طبیعی در پیوست فرهنگی	۰/۵۲	۸/۰۷	تایید



جمع‌بندی و نتیجه‌گیری:

یکی از موضوع‌های مطرح در حوزه سیاست‌گذاری فرهنگی، نقش و جایگاه جغرافیا و ملاحظه‌های جغرافیایی به عنوان زمینه و شاید بنیان سیاست‌ها و خط‌مشی‌های فرهنگی است؛ به‌علاوه تنوع فرهنگی، تفاوت‌ها و گوناگونی‌های قومی، دینی و جغرافیایی در کشور ما ضرورت توجه به این موضوع را دوچندان می‌کند. این تفاوت‌ها نه تنها در کشورهایی مانند ایران که دارای تنوع فرهنگی، قومی و مذهبی هستند، بلکه در کشورهای اروپایی و آمریکا که مهاجرپذیر نیز هستند؛ چالش‌ها و پیامدهای مختلفی داشته و هر کشور سیاست‌های متفاوتی در برخورد با این تنوع در پیش گرفته‌اند. از سوی دیگر اسناد بالادستی در کشور وجود دارد که به عنوان مرجع یا منبع الهام‌بخش برای متولیان سیاست‌گذاری در حوزه‌های مختلف از جمله فرهنگ محسوب می‌شوند؛ اما سؤال اینجاست که ملاحظه‌های جغرافیایی چه جایگاهی در سیاست‌های فرهنگی کلان جمهوری اسلامی ایران و به تبع آن در سازمان‌ها دارد؟

در ایران نیز یکی از مسائل اساسی در سیاست‌گذاری فرهنگی، بحث تنوع فرهنگی موجود در جامعه و جغرافیای ایران است. ایران از جمله کشورهای متکثر و برخوردار از ویژگی گوناگونی است. گوناگونی در ایران شامل همه ابعاد تنوع و تمام انواع گوناگونی است؛ به عبارت دیگر، خود گوناگونی در ایران گوناگون است. ایران در مقایسه با ۲۰۰ کشور یا واحد جغرافیایی سیاسی فعلی جهان، به طور نسبی از بیشترین گوناگونی‌ها برخوردار است. از این رو هنگامی که از موضوعی مانند سیاست‌گذاری فرهنگی و اقتضائات بومی ایران سخن به میان می‌آید تنوع جغرافیایی و فرهنگی به ذهن متبادر می‌شود.

یکی از ارکان اصلی سیاست‌گذاری فرهنگی در بسیاری از کشورها، پذیرش تنوع و گوناگونی جغرافیایی و فرهنگی است. مطالعه تطبیقی سیاست‌های فرهنگی کشورهای مختلف نشان می‌دهد گفتمان تنوع فرهنگی و جغرافیایی در سیاست‌های فرهنگی کشورهای مختلف از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در ایران نیز یکی از مسائل اساسی در سیاست‌گذاری فرهنگی، بحث تنوع فرهنگی موجود در جامعه و جغرافیای ایران است.

ایران کشور پهناوری است که به دلیل وضعیت جغرافیایی خود، اقلیم‌های متنوع و چشم‌اندازهای گوناگونی دارد و این وضعیت خاص جغرافیایی سبب پدیدآمدن رفتارهای اجتماعی-اقتصادی متفاوتی شده است. این تنوع جغرافیایی باعث ایجاد تنوع فرهنگی، آداب، رسوم و خلاق‌وخواه‌های مختلف شده است؛ به طور مثال، مردم کویر، برای زندگی در شرایط سخت کویری، مردمانی سخت‌کوش هستند. ادیان و مذاهب زیادی در ایران وجود دارند. سه دین اصلی توحیدی یا ابراهیمی (یهودیت، مسیحیت و اسلام) در ایران پیروانی دارد. گستره پیروان اسلام در ایران، گوناگونی بسیار بیشتری را نشان می‌دهد؛ تنوعی که در میان حدود پنجاه کشور دیگری که اسلام دین اصلی و رسمی آنهاست، کمتر دیده می‌شود. تنوع قومی-زبانی ایران از دیگر ویژگی‌های سرزمینی و جغرافیایی ایران است. کشوری با بیش از ۵۰ زبان و گویش محلی است. فلات ایران ناحیه‌ای جغرافیایی و منطقه‌ای فرهنگی است که همواره باعث تنوع نژادی و قومی شده است در این میان تنوع و تكثر اقوام تشکیل دهنده جامعه ایران به نحوی است که اطلاق واژه‌های کثیرالقوم و جامعه چند قومی به ترکیب جمعیتی آن، از ترکیب و واقعیتی انکارناپذیر خبر می‌دهد. حضور و زندگی قومیت‌های مختلف چون لرها، ترک‌ها، کردها، بلوچ‌ها، ترکمن‌ها، عرب‌ها در کنار یکدیگر و در چارچوب جغرافیای سیاسی واحد، بیانگر موزاییک قومی- فرهنگی هویت و تمدن ایرانی است.

از طرفی با توجه به این تنوع قومی و فرهنگی سازمان‌های نظارتی مسئولیت سنگین‌تری برای تأمین امنیت و آرامش عمومی جامعه بر عهده دارند و این مسئولیت برای کشورهای در حال توسعه از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ این کشورها برای رشد همه‌جانبه نیاز به محیط امن و با ثباتی دارند تا بتوانند برنامه‌ریزی‌های کلانی در حوزه‌های گوناگون فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و امنیتی انجام دهند؛ یکی از وظایف مهم سازمان‌های نظارتی کمک به رشد و توسعه در کشور از طریق ایجاد زیرساخت‌های مناسب امنیتی است؛ در محیط پرتلاطم اجتماعی که تهدیدهای فراوانی متصور است، نقش سازمان‌های نظارتی می‌تواند پررنگ باشد، این گونه سازمان‌ها با تمرکز بر ایجاد و تأمین امنیت در حوزه‌های مختلف می‌توانند فرایند رشد و توسعه را تسهیل نمایند. در عصر حاضر ایران اسلامی به دلیل ماهیت انقلاب اسلامی و فلسفه وجودی‌اش همواره مورد حمله فرهنگی بیگانگان بوده است؛ بنابراین، در صورت سهل‌انگاری در بخش فرهنگ، همه سازمان و نهادها (من جمله سازمان‌های نظارتی) نیز در معرض رخنه فرهنگی قرار می‌گیرند.

با توجه به جدی بودن خطرهای فرهنگی وارداتی و رخنه فرهنگی در کشور، در این پژوهش ضمن تبیین مؤلفه‌های فرهنگی در سازمان‌های نظارتی و طرح دیدگاه‌های صاحب‌نظران حوزه فرهنگ، ضمن تأکید به نهادینه‌سازی فرهنگ اسلامی و ارزش‌های منبعث از دین اسلام در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی برای سازمان‌های نظارتی، استفاده از شاخص‌های پیوست فرهنگی به عنوان الگوهای راهبردی در ایجاد هم‌گرایی فرهنگی با تبیین چالش‌ها، آثار و نتایج برنامه‌ریزی فرهنگی یکی از موضوع‌های ارایه شده در پژوهش حاضر است.

در این تحقیق براساس روش تحلیل آماری، با بررسی آرای متخصصان امر، به جایگاه ملاحظه‌های جغرافیایی در پیوست فرهنگی طرح‌های کلان توسعه ملی پرداخته‌ایم. تأکید نهایی نگارنده در این تحقیق بر اساس نتایج کسب شده از نظر متخصصان، این است که در تدوین سیاست‌ها و خط‌مشی‌های فرهنگی باید ملاحظه‌های جغرافیایی اولویت داده شود. به‌طور کلی همان‌طور که ذکر شد، مقوله پیوست فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران بر اساس پذیرش چهار بعد فرهنگ (فرهنگ فرهنگی، فرهنگ سیاسی، فرهنگ اجتماعی و فرهنگ اقتصادی) ترسیم می‌گردد. هرچند مؤلفه‌های مهم دیگری مانند لایه‌ها و سطوح فرهنگی، گستره جغرافیایی، قلمروی اجرایی و... در این منظر به کار رفته اما محور پذیرفته شده، مباحث و مسائل سیاسی است که در الگوی پیوست فرهنگی، نقش اصلی را ایفا می‌کند.

پیشنهادها

- ۱- توجه بیشتری به ابعاد طبیعی جغرافیا شامل اقلیم و جغرافیای زیستی و زمین‌شناسی شود؛
- ۲- در اولویت قرارگیری و توجه در خور اهمیت به ملاحظه‌های جغرافیایی در پیوست، تدوین سیاست‌ها و خط‌مشی‌های فرهنگی همچنین اتخاذ سیاست‌های متفاوت فرهنگی و طرح‌های توسعه ملی؛
- ۳- شناسایی و رفع چالش‌ها و موانع پیش‌رو از طریق نظام جامع پیوست فرهنگی با بهره‌گیری از برنامه‌های شورای عالی انقلاب فرهنگی؛

۴- تقویت مشارکت، انسجام و ایجاد اقتدار فرهنگی مبتنی بر ارزش‌ها و اعتقادات دینی و باورهای فرهنگی کارکنان سازمان‌های نظارتی برای مقابله با نفوذ فرهنگ منفی و همچنین ایجاد تعامل بین سازمان‌های نظارتی برای توسعه و تقویت فرهنگ سازمانی؛

۵- بسط و تداوم ارزش‌ها و آرمان‌های اسلامی در سازمان‌های نظارتی از طریق هماهنگی میان‌بخشی بین جامعه نظارتی و نهادهای تأثیرگذار دولتی؛

۶- حمایت از حقوق فردی و اجتماعی در سازمان و ایجاد زیرساخت‌های سازمانی و تدوین دستورکارهای مورد نیاز برای رشد و بالندگی علمی، دینی و فرهنگی کارکنان سازمان‌های نظارتی؛

منابع

قرآن کریم.

بابایی طلا تپه، محمدباقر (۱۳۸۴)، *مبانی استراتژی فرهنگی از دیدگاه علی(ع)*، تهران، دانشگاه امام حسین(ع).
باقری، علیرضا (۱۳۹۲)، «راه‌کارهای افزایش بهره‌وری در سازمان‌های نظارتی و امنیتی»، *فصلنامه مطالعات حفاظت و امنیت انتظامی*، سال هشتم، شماره ۲۷، صص: ۱۴۹-۱۸۳.

باقری، علیرضا (۱۳۹۴)، «بسط مفهومی برنامه‌ریزی توسعه فرهنگی و نقش آن در سازمان‌های اطلاعاتی»، *فصلنامه مطالعات حفاظت و امنیت انتظامی*، سال دهم، شماره ۲۵، تابستان، صص: ۱۰۹-۱۴۴.

بازرگان هرندی، عباس، سرمد، زهره و حجازی، الهه. (۱۳۸۷) *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*. تهران: نشر آگاه.
باینگانی، بهمن و شکوهی، مرتضی (۱۳۸۸) *اولین همایش ملی ارزیابی تأثیر اجتماعی*، تهران: دفتر مطالعات اجتماعی شهرداری، اداره پیوست اجتماعی و فرهنگی.

بدرفر، منصور (۱۳۸۸)، *جغرافیای انسانی ایران*، تهران: پیام نور.

بنیانیان، حسن (۱۳۸۷)، *پیوست فرهنگی: کلید رفع مظلومیت از فرهنگ و احیاء تمدن اسلامی*، پگاه حوزه، شماره ۲۳۱.
بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) (۱۳۸۶)، *بیانات رهبری انقلاب اسلامی در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی* (۱۳۸۶/۱۷/۹) *تارنمای بیت رهبری*.

بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) (۱۳۸۶)، *بیانات رهبری انقلاب اسلامی در دیدار با دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد* (۱۳۸۶/۲/۵).

بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) (۱۳۸۱/۰۹/۲۶)، *پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای*.
بکر، هنک و ونکلی، فرنک (۱۳۸۸) *راهنمایی بین‌المللی برآورد پیامدهای اجتماعی*، ترجمه‌هادی جلیلی. تهران: جامعه شناسان.

حداد عادل، غلامعلی (۱۳۷۲)، *فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی*، تهران: سروش.

ذوالفقاری، حسین (۱۳۹۱)، «بررسی علل و پیامد ایجاد سازمان‌های متعدد نظارتی»، *فصلنامه مطالعات حفاظت و امنیت انتظامی*، سال هفتم، شماره ۲۵، صص: ۱۹-۵۵.

صالح‌نیا، نرگس؛ جلال دهنوی و امین حق‌نژاد (۱۳۸۹)، «نقش فرهنگ در توسعه اقتصادی»، *ماهنامه مهندسی فرهنگی*، سال چهارم شماره ۴۳ و ۴۴ مرداد و شهریور ۱۳۸۹، صص: ۶۷-۶۸.

عسگری، شاداب (۱۳۹۰)، «نقش آینده‌پژوهی در برنامه‌ریزی‌های کلان سازمان‌های نظارتی و امنیتی»، *فصلنامه مطالعات حفاظت و امنیت انتظامی*، سال ششم، شماره ۱۹، تابستان ۹۰، صص: ۱۶۵-۱۹۶.

فرهنگی، علی‌اکبر (بی‌تا)، *تکنولوژی و تکامل فرهنگی*، چاپ اول، تهران.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

کرنگ، مایک (۱۳۸۳)، *جغرافیای فرهنگی*، ترجمه مهدی قرخلو، تهران: سمت.

مصطفوی، سیدرضا و محسن ابراهیم‌پور (۱۳۸۷)، ارزیابی آثار و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی طرح‌ها و پروژه‌ها، تهران: دفتر مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری.

ناظمی، مهدی (۱۳۸۴)، مهندسی فرهنگی کشور؛ تحلیلی بر دیدگاه‌های رهبر انقلاب اسلامی، تهران: شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۴. نائینی، علی محمد (۱۳۹۱)، اصول و مبانی جنگ نرم، تهران: ساقی.

نظام‌نامه پیوست فرهنگی طرح‌های مهم و کلان کشور شماره ۹۲/۳۸۰۷/دش ۱۳۹۲/۴/۱۱

نگاهداری، بابک، داوود فیض، موسی عنبری (۱۳۸۶)، درآمدی بر برنامه‌ریزی توسعه فرهنگی، انتشارات امید مجد.

Bagozzi, R. P, & Youjae, Y. (1988). On the Evaluation of Structural Equation Models, Journal of the Academy of Marketing Research Marketing Science, 16, 74-94

Sagnia, K.Burama(2004), Framework for Cultural Impact assessment, International Network for Cultural Diversity(INCD).

Vanclay, Frank (2000), Social Impact Assessment, Social Impact Assessment,Center for Rural Social Research, Charles Stuart University, Australia.

Center Success Using a Structural Equation Modeling Approach. Decision Sciences, 28(2), 309–334

Chau, P. Y. K. (1997). Reexamining a Model for Evaluating Information

